

## دیوانِ عسکری\*

تذکره‌نویسان دربارهٔ دو شاعر به‌نام عسکری مطالبی ذکر نموده‌اند. مؤلفِ ریاض‌الشعرا می‌نویسد:

”میر عسکری قمی، برادرِ میر نورالدین قمی، اکسیرِ تخلص بود. خود را در سخنوری بی‌نظیر دانست و الحال خالی از وقوفی نبود. به‌طور برادر گفتگو می‌نمود. چندی قبل از این فوت شد. این دو رباعی از او مشهور است:

سبطین کز انبیا فزون مقدارند چون والد خویش محرم اسرارند  
باشد زیشان مزاج اسلام قوی در تقویت دین نبی جدّ دارند<sup>۱</sup>

مؤلف صبح گلشن دربارهٔ یک عسکری دیگر می‌گوید:

”عسکری میر محمد عسکری از سادات بلگرام است. موزون طبع و سخن سنج و سنجیده کلام:

ترگشت تا بوصف رخ او زبان ما آب حیات جوش زند از دهان ما  
گل به بلبل بنماید رخ نیکوی ترا بلبل از دور بحسرت نگران روی ترا  
مهی شد روبرو ناگاه ما را که مهر او ربود از راه ما را  
نیامد برسر آن ماه دو هفته بسر شد عسکری یک ماه ما را

\*

نه شب را هست پایانی نه آغاز سحر امشب بفردای قیامت هست آستن مگر امشب<sup>۲</sup>

---

\* استاد عابدی این مقاله را در تاریخ ۲۰۱۰/۵/۵ م به‌انجام رسانید.

۱. واله داغستانی، علی قلی خان (م: ۱۱۷۰ هـ): ریاض‌الشعرا (تألیف: ۱۱۶۱ هـ/۱۷۴۸ م)، تصحیح پرفسور شریف حسین قاسمی، کتابخانهٔ رضا، رامپور، ۲۰۰۱ م.
۲. سلیم بهوپالی، سید علی حسن خان: صبح گلشن، به‌اهتمام مولوی محمد عبدالمجید خان، مطبع شاهجهانی، بهوپال، ۱۲۹۵ هـ/۱۸۷۸ م، ص ۲۸۵.

خوشبختانه عکس یک نسخه خطی دیوان عسکری در کتابخانه میکروفیلم نور،  
خانه فرهنگ جمهوری اسلامی ایران، دهلی نو نگهداری می‌شود.

متأسفانه پس از مطالعه دیوان عسکری هم چیزی درباره زندگی وی زیاد معلوم  
نمی‌شود. البته ابیات ذیل تا اندازه‌ای عقیده شاعر را واضح می‌کند:

السلام ای قاصع بنیاد کفر السلام ای قاتل اهل دغا  
السلام ای اشجع قلعه شکن السلام ای پنجهات خیرکشا

شاعر بر هنر خود فخر می‌کند:

با چنین اشعار شیرین می‌سزد عسکر اگر طوطی خوش لهجه شیرین زبان گویم ترا

\*

از شاعران این زمان هرگز نه گفته در جهان چون شعر عسکر خوش بیان گر گفته‌اند اشعارها

\*

شکر ریزی کنی عسکر باین اشعار شیرینت گرفتی چاشنی شاید بکام جان از آن لبها

\*

تا که خوردم عسکر از لعل لب آن مه شکر طوطی طبعم ز مستی شکرین گفتار شد

\*

شکر لله کز هوای عشق یار میل طبعم جانب اشعار بود

پس از مطالعه دیوان عسکری معلوم می‌شود که شاعر صاحب هنر بوده و اشعار  
ساده و روانی دارد که به گنجینه زبان و ادبیات فارسی اضافه خواهد شد. اینجا بعضی از  
اشعار وی نقل می‌گردد که سادگی و روانی شاعر را نشان می‌دهد:

درد هجر تو گفتنم هوس است شب وصل تو خفتنم هوس است

\*

جز تو ای رشک گلشن خوبی گل بچشمم چو خار می‌آید

\*

رویت به میان زلف مشکین صبحیست که جای شام دارد

\*

تو و زهد و صلاح و توبه و تقوی برو زاهد

که من پیمان شکستم ساکن میخانه خواهم شد

من و جام و صراحی و خراباتم بود مسکن

نه چون زاهد بفکر سبحة صدदानه خواهم شد

\*

سر و پا برهنه گردم چو سگان کوت هر دم چه کلاه و کفش پوشم که خیر ز سر ندارم

\*

دارم هوس آن که به پهلوی تو باشم چون خان تو پیوسته بر روی تو باشم

دیوانه شدم از غم عشق تو بود کاش تا بند سلاسل ز دو گیسوی تو باشم

\*

حوری و غلمان تو بگو یا پری لعبت چین یا صنمی ای صنم

زلف شکستی و درستی برخ هوش ربا دل شکنی ای صنم

\*

برده دل از بر من ناز و اداهای کسی قد رعنائی کسی قامت زیبای کسی

یارب از لطف بکن کلبه تاریخ مرا روشن از مهر کسی از مه سیمای کسی

بعضی از ابیات مثنوی هم نقل می‌گردد:

هرکس که ز عشق پاکباز است بی‌شبهه ز محرمان راز است

ای مهر منیر اهل بینش وی مهر سپهر آفرینش

پستان چو انار نورسیده از نخل مراد سر کشیده